

اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام خمینی (ره)

* اسماعیل خارستانی

** فاطمه سیفی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۸/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۹۵/۳/۲۵

چکیده

در پژوهش حاضر با روش توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام خمینی (ره) بررسی شده است. عمده‌ترین یافته‌ها عبارتند از: (۱) هدف نهایی تربیت اخلاقی از دیدگاه امام خمینی، قرب الهی است. (۲) اهداف جزئی شامل رسیدن به کمال، خودشناسی، حقیقت‌جویی و شناخت حقیقت، اصلاح رابطه انسان با خداست. (۳) اصول تربیت اخلاقی، شامل زهد، عزت، کرامت، تقدّم تزکیه بر تعلیم، اعتدال، خدمت به بندگان، تکیه بر اصلاح خود، توجه به حق و اخلاص است. (۴) روش‌های تربیت اخلاقی، شامل ساده‌زیستی، دوری از تجملات، خودباوری، اتکا به نفس، احترام به شاگردان، انعطاف و نرم‌خویی، امر به معروف و نهی از منکر، عبرت‌آموزی و نصیحت و خیرخواهی، بازگشت به خویشتن، آسان‌گیری و جذب، تسهیل و تیسیر، توجه به مشکلات و گرفتاری‌های شاگردان، مدارا با بندگان، تذکر، نفی عادات ذهنی و عملی، التزام به آداب شریعت، آگاهی‌بخشی و بینش‌دهی، مشارطه و مراقبه و محاسبه و رفتار با عمل است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، تربیت اخلاقی، اهداف، اصول، روش‌ها.

الف) مقدمه

انسان دارای ابعاد وجودی متنوع است و برای شکوفا شدن و متعالی شدن این ابعاد و استعدادهای نهانی، احتیاج به تربیت دارد. در این میان، پرورش فضایل اخلاقی یکی از مهم‌ترین و در عین حال مشکل‌ترین کارهاست؛ به طوری که انجام آن، از هدف‌های مهم و والای رسالت پیامبران خدا بوده است تا انسان را در مسیر کمال که علت غایی آفرینش است قرار دهند. رسول گرامی اسلام(ص) فرموده‌اند فلسفه بعثت ایشان، تکمیل مکارم اخلاقی بوده و قرآن کریم راز بعثت تمام انبیا را تعلیم و تربیت و تزکیه بشر یاد کرده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲)؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

بعد از انبیا و اوصیای الهی و اندیشمندان مختلف، اعم از پیروان مکاتب الهی و پیروان مکاتب مادی، هر یک با بینش و اهداف خاص خود از تربیت و اخلاق سخن گفته و اصول و روش‌هایی را برای آن ارائه داده‌اند گرچه عده‌ای دیگر نیز به طرح سؤال تردیدآمیز نسبت به ضرورت تربیت اخلاقی و ارزشی می‌پردازند و عده‌ای دیگر، امکان تربیت اخلاقی و ارزشی را منتفی می‌دانند.

در این دیدگاه، اصول اولیه اخلاق و معیارهای اولیه انسانیت، به هیچ وجه نسبی نیست. اولیا و اوصیا، الگوها و اسوه‌های فکری، اعتقادی، عملی و اخلاقی می‌باشند. از این رو، گفتار، رفتار، کردار و تقریر آن بزرگواران، دلیل و برهان شرعی است. بدین جهت، نجات تنها در پیروی کردن از آنان منحصر شده است.

بر این اساس، سیره تربیتی آنها می‌تواند چراغی برای پیمودن راههای زندگی باشد. به کار بردن سیره اولیای الهی، نه تنها موجب هدایت فرد در رسیدن به تکامل وی می‌شود، بلکه می‌تواند جامعه‌ای را از هلاکت و انحطاط نجات بخشند. امام خمینی(ره) نیز به عنوان الگو، چه در دوران زندگی و چه برای نسل امروز، دارای سرشتهایی بود که همگان را به شگفتی وامی‌داشت و دوست و دشمن را فریفته و شیفته خود می‌کرد.

نظام تربیتی مورد نظر امام(ره)، متأثر از ویژگی‌های انسان کامل است؛ انسان کاملی که مطلوب نظر دین مبین اسلام بود و جلوه‌ای از تمام صفحات حق الهی و جلوه‌گاه نور مقدس

حق تعالی؛ انسانی که عصاره همه موجودات و فشرده تمام عالم است. به عقیده آن حضرت، اساس عالم بر تربیت انسان است و تربیت انسان در رأس همه امور است. این مسئله خود بیش از پیش، اهمیت علیم و تربیت را می‌نمایاند و اینکه تربیت در رأس همه امور بوده و اساس عالم بر تربیت انسان است.

نام امام خمینی (ره)، امروز برای بسیاری از انسان‌ها آشناست و هر کدام او را از زاویه نگاه و آگاهی و دل‌بستگی‌های خود می‌شناسند. اهل سیاست و حکومت و مدیریت او را به عنوان یک رجل سیاسی، و اهل فقه و فلسفه و عرفان او را به عنوان یک فقیه، فیلسوف و معلم عرفان نظری می‌شناسند، و کاوشگران علوم تربیتی و رهروان عرفان عملی و شیفتگان اخلاق و منش انسانی او را به عنوان انسانی نمونه و خودساخته و ذوب شده در اخلاق الهی معرفی می‌کنند. و او به راستی این همه بود و از این جامعیت بهره داشت، اما آنچه به او جذابیت و محبوبیت بخشیده بود و او را تا اوج یک قهرمان در قلب یک ملت بالا برده بود، اخلاق و منش متعالی او بود. چنان که انبیا چنین بودند و خداوند در توصیف پیامبر خاتم (ص) او را به اخلاق، بردباری و دلسوزی و کرامتش ستوده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ همانا تو از اخلاق و منشی بس عظیم برخورداری.

با عنایت به تعالی نظام اخلاقی امام خمینی (ره)، در این پژوهش سعی بر آن است که با گردآوری، تنظیم و تدوین اندیشه‌های تابناک آن حضرت در قالبی نوین، الگویی کارآمد برای رهایی به کمال و سعادت، به ویژه در بعد تربیت اخلاقی ارائه شود؛ چرا که امام (ره) تجسم عینی اخلاق و تجلی تمامی فضایل و کمالات بود و پیوسته به امر تربیت و تهذیب اخلاق سفارش می‌کرد، تا آنجا که در وصیتنامه الهی، سیاسی خود چنین بیان می‌فرماید:

«از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی و اسلامی، از قبیل اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله که جهاد اکبر است، می‌باشد».

ب) بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان، بعد اخلاقی اوست. چنانچه از آیات قرآن کریم و احادیث چنین برمی‌آید که یکی از اهداف مهم انبیا، به خصوص خاتم آنان محمد رسول الله (ص)، تهذیب اخلاق و تزکیه ارواح بشری از پلیدی‌ها و گناهان بوده است؛ یعنی از

طریق بیان دستورات و قوانین زندگی‌ساز و اخلاقی و در سایه به کار بستن آنان توسط مردم، سعادت و خوشبختی را به جامعه‌های انسانی به ارمغان آورده‌اند. (محمودنیا، ۱۳۶۵: ۵۳)

در این میان، تأکیدها و سفارش‌های اولیای الهی به مسئله تربیت اخلاقی، زمینه را برای سعادت فرد و در نتیجه، سعادت جامعه فراهم خواهد ساخت. از این رو، بررسی اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی، جایگاه خاص خود را دارد. بنابر این، مسئله اصلی تحقیق این است که تربیت اخلاقی از دیدگاه امام خمینی (ره) دارای چه اهداف، اصول و روش‌هایی است. برای رسیدن به پاسخ این مسئله، ابتدا اهداف، سپس اصول مربوط به آن اهداف و در انتها روش‌های تربیتی مربوط به آن اشاره خواهد شد و در انتهای هر هدف نیز اصول و روش‌های آن در جدولی ارائه خواهد شد.

ج) یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا هدف و سپس برای شناخت و درک ارتباط هر یک از اصول با اهداف، آنها را در ذیل هدف می‌آوریم. همچنین برای شناخت ارتباط هر یک از روش‌ها با اصول، هر یک از روش‌ها را ذیل اصل مرتبط با آن می‌آوریم.

۱. هدف اول: اصلاح رابطه انسان با خدا

امام خمینی دربارهٔ تعلیم و تربیت کودکان، به معلمان و مربیان چنین رهنمود داده‌اند: «شما باید آنها را از عبودیت غیر خدا بازدارید و به عبودیت خدا، به بندگی خدا، آنها را تربیت کنید. اگر چنانچه انسان از راه عبودیت خدا وارد شد در جامعه یا نظر انداخت به امور، این از راه و از این کانال وقتی واقع شد، وارد شد، کارهایش همه الهی می‌شود. اگر انسان عبودیت خدا را فقط، بندگی خدا را فقط بپذیرد و از عبودیت سایر چیزها و سایر اشخاص احتراز کند، از کانال عبودیت خدا در دنیا وارد بشود، در طبیعت وارد بشود، از کانال عبودیت خدا مدرسه برود، در وزارتخانه وارد بشود، در جامعه وارد بشود، هر کاری انجام بدهد، عبادت است؛ برای اینکه مبدء عبودیت خداست. شما ملاحظه کردید که در قرآن شریف و همین‌طور در نماز وقتی که نماز می‌خوانید، نسبت به رسول اکرم (ص)، عبد را بر رسالت مقدم داشتند و ممکن است که اصل این اشاره این باشد که از کانال عبودیت به رسالت رسیده است، از همه چیز آزاد شده است و عبد شده است، عبد خدا، نه عبد چیزهای دیگر. دو راه بیشتر نیست: یا عبودیت خدا یا عبودیت نفس اماره. این دو راه است. اگر انسان از عبودیت دیگران آزاد بشود



و عبودیت خدا را بپذیرد که لایق این است که انسان عبد او باشد، کارهایی که انجام می‌دهد، انحراف ندارد؛ یعنی انحراف عمدی نخواهد کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۴: ۳۰).
طبق این فرمایش حضرت امام (ره)، اصلاح رابطه انسان با خدا، یکی از اهداف تربیتی است که باید از همان دوران کودکی، فرزندان خود را در این مسیر هدایت کرد.

یک) اصل خدمت به بندگان

آنچه بیش از همه عناصر و ویژگی‌ها، اخلاق و عرفان امام را صبغه قرآنی بخشیده است، عنصر خدمت و خیراندیشی و ایثار برای بندگان خداست. عنصری که ناب‌ترین و نایب‌ترین آن در وجود انبیای الهی یافت می‌شد و آنان را از حدّ یک معلم تا اوج یک پدر دلسوز و شیفته انسان‌ها ارتقا می‌بخشید. این نکته‌ای است که در کمتر کتاب عرفانی و اخلاقی به این شکل دیده می‌شود و امام به توضیح و ترسیم آن پرداخته و خود عامل به آن بوده است:

«چرا یک ذره از آن چیز می‌شد که در دل انبیا بود در دل ما نباشد «فلعلک باخع نفسک»! شاید می‌خواهی خودت را هلاک کنی! غصه می‌خورد از بس برای این مردم، غصه پیامبر برای این کفار بود، غصه می‌خورد که اینها نمی‌فهمند دارند چه می‌کنند، اینها دارند برای خودشان جهنم می‌سازند.

«چرا ما یک ذره‌ای، یک بارقه کوچکی از این نفس‌های مطمئن شریف در قلبمان نباشد که برای این امت کار بکنیم نه برای خودمان؟!... [پیامبر] به همه بندگان خدا عشق می‌ورزید و عشق به خدا عشق به جلوه‌های اوست... انبیاء مظهر رحمت حق تعالی هستند، می‌خواهند که همه مردم خوب باشند، می‌خواهند همه مردم معرفت الله داشته باشند، می‌خواهند همه مردم سعادت داشته باشند. وقتی می‌بینند که این مردم دارند رو به جهنم می‌روند، آنها افسوسش را می‌خورند. در قرآن هم اشاره‌ای به این هست: فلعلک باخع نفسک» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۹: ۲۵۱-۲۵۰).

- روش مدارا با دیگران: امام خمینی (ره) به رهپویان طریق معنویت و اخلاق، و داعیه‌داران صلاح و اصلاح توصیه می‌کند که از آیات قرآن و شیوه انبیا درس آموزند و برنامه‌های خود را با رأفت و عطف در هم آمیزند: «با قلب پر از محبت و دل با عاطفه با بندگان خداوند ملاقات کن و خیر آنها را از صمیم قلب طالب شو و چون قلب خود را رحمانی و رحیمی یافتی به امر و نهی و ارشاد قیام کن تا دل‌های سخت را برق عاطفه قلب نرم کند و آهن قلوب به موعظت آمیخته با آتش محبت لاین گردد» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۳۹).



- **روش توجه به مشکلات و گرفتاری‌های شاگردان:** یکی از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) می‌گوید: من مریض شدم و مدت یک ماه در حجره مدرسه حجتیه بستری بودم. در طول این مدت، روزهای چهارشنبه، امام همراه یکی از دوستان دانشمند ما به حجره مدرسه می‌آمدند و از من عیادت می‌کردند؛ در صورتی که من طلبه گمنامی بیش نبودم. این‌گونه برخوردهای امام، برای من قابل توجه بود. (شعرباف، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۰۹)

دو) اصل تکیه بر اصلاح خود

امام راحل می‌فرمودند: «کسانی که می‌خواهند در این عالم تربیت کنند دیگران را، قبلاً خودشان تزکیه شده باشند، تربیت شده باشند». (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۴: ۳۹۱)

- **روش نفی عادات ذهنی و عملی:** یکی از موانع حرکت انسان به سوی هدف غایی و دیگر اهداف تربیتی و اجتماعی، تأکید بر عادات‌های ذهنی و عملی است. عادات ذهنی مانع درک صحیح واقعیت خارجی است و عادات عملی هم گاه موانعی عینی برای تحقق اهداف می‌شوند. امام خمینی به شاگردان خود همواره شجاعت نقد آرای گذشتگان را القا می‌کرده‌اند و در سایه همین ویژگی، چنان‌که مشهور است، درس ایشان مجتهدپرور بوده است. حرّیت علمی، محصول به کارگیری این روش است. درباره نفی عادات عملی آنگاه که مانع رسیدن به اهداف اصیل باشند هم سلوک سیاسی ایشان شاهد مناسبی است. فتواهای شجاعانه ایشان که پدیدآورنده رفتار ظاهری خاصی در جامعه می‌شد نیز گواه همین حقیقت است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۷)

- **روش تذکر:** از روش‌هایی که انسان را در سیر به سوی اهداف تربیت و اتّصاف به صفات الهی یاری می‌کند، روش تذکر است؛ یعنی یادآوری خدای متعال و نعمت‌هایش و یادآور شدن مرگ و پیامدهایش. «از اموری که انسان را معاونت کامل می‌نماید در مجاهده با نفس و شیطان، و باید انسان سالک مجاهد خیلی مواظب آن باشد، تذکر است». (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۰)

سه) اصل جهاد

به نظر حضرت امام (ره) جهاد با نفس تنها از راه مخالفت عملی با عادات ناپسند امکان‌پذیر است. ایشان در این باره می‌نویسد: «بهترین علاج‌ها که علمای اخلاق و اهل سلوک از برای این مفاسد اخلاقی فرموده‌اند، این است که هر یک از این ملکات زشت را که در خود می‌بینی، در نظر بگیری و برخلاف آن تا چندی مردانه قیام و اقدام کنی و همت بگماری بر خلاف نفس تا مدتی، و بر ضد خواهش آن رذیله رفتار کنی و از خدای تعالی در



هر حال توفیق طلب کنی که با تو اعانت کند در این مجاهده، مسلماً بعد از مدت قلیلی آن خلق زشت رفع شده و شیطان و جندش از این سنگر فرار کرده، جنود رحمانی به جای آنها برقرار می‌شود». (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۲)

- **روش کظم غیظ:** امام بزرگوار، هنگام خشم، بسیار خوددار بودند. به طور مثال چنانچه هنگام درس عصبانی می‌شدند و می‌خواستند فریاد بزنند، فقط می‌گفتند: «مولانا» و دستشان را بر زمین می‌زدند. با اینکه ایشان عصبانی می‌شدند، تسلط عجیبی بر نفس خود داشتند. همین امر باعث می‌شد که هیچ‌گاه کلمه زنده‌ای از زبان‌شان شنیده نشود؛ حتی اگر حرفی را بلند می‌گفتند، فقط در همان حد بلند گفتن بود یا اینکه حداکثر می‌گفتند: «آقا! گوش کن. مولانا! به حرف توجه کن». آری، حضرت امام، نسبت به طلاب مهربان بودند. (ستوده، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۹۲-۲۹۱)

- **روش دوری جستن از هوای نفس:** از نظر حضرت امام، آخرین راه برای حفظ ارزش‌ها، همانا دست شستن از هوای نفس و داشتن ورع و تقواست. امام معتقد است که اگر بخواهیم انسان باشیم و ارزش انسانی داشته باشیم، باید دست از هوای نفس برداریم: «شما هم اگر بخواهید انسان باشید، ارزش انسانی داشته باشید، برای شکم نباشد، برای شرف باشد، کارهایتان برای انسانیت باشد، برای خدا باشد. اگر بخواهید که کارهایتان برای خدا باشد، به نتیجه برسید، باید دست از هواهای نفسانی بردارید». (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۸: ۱۶۱)

- **روش الگویی:** امام خمینی (ره) با الهام از آیات قرآن که ارسال رسولان و تعیین اسوه و الگوی عملی را برای تزکیه و تهذیب و تعالی انسان‌ها ضروری دانسته است و نیز آیاتی چون آیات مربوط به رویارویی موسی (ع) با فردی که سمت استادی بر او داشت - خضر نبی (ع) - و نیز با توجه به اینکه حرکت بدون راهنما در مسیر سلوک عرفانی و اخلاقی، به طور معمول لغزشگاه‌های فراوان داشته و در عمل دیده شده است که رهپویان بی‌راهنما گرفتار کجروی شده و رهنمان راه را بر آنان بسته‌اند، بر این نکته تأکید دارد که سالک طریق عرفان که تزکیه و تهذیب اخلاقی ثمره طبیعی و ضروری آن است، می‌بایست به استادی بصیر و آزموده اقتدا کند و با امامی وارسته، در راه تقرب به خداوند و رهایی از نفس، عروج کند: «بدان که طی این سفر روحانی و معراج ایمانی را با این پای شکسته و عنان گسسته و چشم کور و قلب بی‌نور نتوان نمود (و من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور). پس در سلوک این طریق روحانی و عروج این معراج عرفانی، تمسک به مقام روحانیت هادیان طرق معرفت و انوار راه هدایت



که واصلان الی الله و عاکفان علی الله اند حتم و لازم است، و اگر کسی با قدم انانیت خود بی‌تمسک به ولایت آنان بخواهد این راه را طی کند، سلوک او الی الشیطان و الهاویه است.» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۳۵)

جدول ۱: اصول و روش‌های اصلاح رابطه انسان با خدا

| روشها | اصول | هدف |
|--------------------------------------|-------------------|--------------------------|
| مدارا با بندگان | خدمت به بندگان | اصلاح رابطه انسان با خدا |
| توجه به مشکلات و گرفتاری‌های شاگردان | | |
| نفی عادات ذهنی | تکیه بر اصلاح خود | |
| تذکر | | |
| کظم غیظ | جهاد | |
| دوری جستن از هوای نفس | | |
| الگوی | | |

۲. هدف: حقیقت‌جویی و شناخت حقیقت

دیدگاه هستی‌شناسی امام (ره) که مأخوذ از دیدگاه اسلام است، بسیار وسیع و بلندمرتبه است. ایشان در وسعت و عظمت هستی و کوچکی عالم طبیعت در مقایسه با آن می‌فرمایند: «دنیا یک جزء بسیار کمی است از عالم، عالم یک مرگی است از ماوراء این طبیعت و این طبیعت. این طبیعت در آخر مرتبه وجود واقع شده است.» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۲)

در جای دیگر می‌فرمایند: «تمام عوالم اجسام در مقابل عالم مابعدالطبیعه، هیچ قدر محسوس ندارد و در آنجا عوالمی است که در فکر بشر ننگد.» (همو، ۱۳۸۵: ۸۴)

دیدگاه هستی‌شناسانه امام و این چنین وسیع‌نگری و اینکه به قول خود ایشان (به نقل از استادش) دنیا را به خاطر آنکه در صف نعال وجود و آخرین مرحله تنزل قرار گرفته اسفل السافلین خوانده‌اند، تأثیری بزرگ بر تعلیم و تربیت می‌گذارد (همو، ۱۳۷۳). امام (ره) می‌فرمایند: در عالم هیچ موجودی به پایه انسان نمی‌رسد. انسان و ادراکاتش و قابلیتش برای تربیت باید گفت غیرمتناهی است. (همو، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۷)

یک) اصل توجه به حق

آیاتی که محور تعلیم و تربیت انبیا را اخلاص و توجه تام به مبدء هستی معرفی می‌کنند، منشأ و محور تأکید فراوان امام خمینی (ره) نسبت به جهت‌دار بودن امر تعلیم و



تربیتند: «از همین جا می‌توان گفت تفاوت اسلام با دیگر مکاتب تربیتی، آن است که آنها خود را محدود به هر یک از اهداف مورد نظر در مبانی تربیتی خویش می‌دانند، ولی اسلام حرکت تربیت را به سوی خدا و توجه به او معرفی می‌کند؛ از این رو در سازندگی فرد یا سازندگی و بالندگی اجتماع، خود را محصور و محدود نمی‌کند.

«...تمام انبیا، معلم‌ها هستند و تمام بشر، دانشجو؛ انبیا مکتبی دارند که در آن مکتب می‌خواهند این موجود دویابی که بدترین موجودات است و اگر رها بشود خطرناک‌ترین موجودات عالم است، این را به راه مستقیم، به صراط مستقیم هدایت کنند ... عالم یک دانشگاهی است و انبیا و اولیاء و تربیت‌شده‌های آنها، معلم هستند و سایر بشر دانشجو ... وظیفه معلم، هدایت جامعه است به سوی الله و وظیفه دانشجو، تعلم» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۳: ۱۷۲)

روش التزام به آداب شریعت: انسان با توجه به محدودیت‌های خاص ذهنی و عملی خود، اغلب نگاه جامع به مسائل را فرو می‌نهد و در میدان باور و عمل گرفتار افراط و تفریط می‌شود. از این رو، در زمینه تزکیه معنوی و اخلاقی نیز گروهی کاملاً ظاهرگرا و عده‌ای به شدت باطن‌گرا شده‌اند؛ در حالی که آیین متعالی برای امت وسط، اعتدال در تمسک به ظاهر و اهتمام به باطن است؛ به طوری که هیچ‌کدام آسیب‌نبیند و حق هر یک ادا شود. امام (ره) در این زمینه می‌نویسند: «و بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود مگر آنکه ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت، و تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود، و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۸)

در موردی دیگر درباره التزام به آداب شریعت می‌نویسند: «و این یکی از مهماتی است که باید نفوس ضعیفه ما به آن خیلی اهمیت دهند و مراقبت کنند که آثار ایمان در جمیع ظاهر و باطن و سرّ و علن، نافذ و جاری باشد» (همان: ۵۳۶)

روش آگاهی‌بخشی و بینش‌دهی: در سراسر آثار مکتوب و شفاهی حضرت امام، این بینش‌دهی و آگاهی‌بخشی که کار برای خدا، به علت ارتباطش با او که دایمی است، پایدار خواهد ماند، بسیار به چشم می‌خورد. این توجه به پیوند اعمال با صبغه الهی بود که این همه پیر و جوان را وارد جریان انقلاب کرد؛ در هشت سال دفاع مقدس، حماسه‌ها آفرید و هنوز هم بحمدالله - در عده معتناهی از مردم نفوذ دارد.

نوعی دیگر از بینش‌دهی امام (ره) که برخاسته از متون اسلامی است، توجه دادن به

دشمن همخانهٔ نفس است. چنان که فرموده‌اند: «اعدا عدوک، همین نفس است که در انسان است. این از همهٔ دشمن‌ها برای انسان دشمن‌تر است. همهٔ دشمن‌های عالم آنقدری که از آنها می‌آید این است که انسان را بکشند، زجرش بدهند، اما آن که بین جنییک، آن نفس امارهٔ انسان، غیر این است که انسان را بکشد، انسانیت را می‌کشد. همهٔ عالم جمع بشوند که انسانیت شما را بکشند تا آن چیزی که در خود شما هست، آن نباشد و تغییر نکنند، کسی نمی‌تواند». (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۷: ۲۲۷)

دو) اصل اخلاص

حضرت امام (ره) ضمن شمردن مراتب اخلاص، نخست اخلاصی را که شرط صحت عمل است و به کار فقه و فقه‌ها می‌آید، بیان می‌کنند و سپس اخلاص در اخلاق و عرفان و از نظر اهل معنا را مورد اشاره قرار می‌دهند؛ چنان که حقیقت اخلاص را تصفیةٔ عمل از شائبهٔ غیر خدا و صاف کردن دل از رؤیت غیر حق تعالی در جمیع اعمال صوریه و لیبیه و ظاهریه و باطنیه می‌دانند. با استناد به آیهٔ «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»، کمال آن را ترک غیر مطلقاً دانسته و پا نهادن بر انیت و انانیت و بر غیر و غیریت. (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۶۱)

«اول قدم سفر الی‌الله، ترک حبّ نفس است و قدم بر انانیت و فرق خود گذاشتن است. و میزان در سفر همین است. و بعضی گویند یکی از معانی آیهٔ شریفهٔ «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» این است که کسی که خارج شد از بیت نفس و هجرت به سوی حق کرد به سفر معنوی، پس از آن او را فنای تام ادراک کرد، اجر او بر خدای تعالی است». (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۳۳)

– روش رفتار در عمل: رفتار مربی، بیش از کلام او در افراد، به ویژه در کودکان تأثیر می‌کند. کودک سعی می‌کند در رفتارهای خود از بزرگسالانی که با او در ارتباطند، تقلید کند. تقلید، تأثیر فوق‌العاده‌ای در تربیت دارد. نکتهٔ ظریف اینجاست که هر قدر بین بزرگسالان و کودک، رابطهٔ عاطفی قوی‌تری حاکم باشد، این تأثیرپذیری بیشتر است. لذا حضرت امام (ره) به رابطهٔ مادر و کودک اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: آنقدر که بچه از مادر چیزی می‌شنود، از پدر نمی‌شنود. آنقدر که اخلاق مادر در بچهٔ کوچک نوری تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران عملی نیست. مادران مبدء خیراتند و اگر خدای نخواستند مادرانی باشند که بچه‌های بد تربیت کنند، مبدء شرند.

– روش مشارطه، مراقبه و محاسبه: امام (ره) پس از تفکر و عزم برای جهاد با نفس و



خودسازی، مشارطه و مراقبه و محاسبه را ضروری دانسته‌اند: «مشارطه آن است که در اول روز مثلاً با خود شرط کند که امروز بر خلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکنند. و این مطلب را تصمیم بگیرد ... پس از این مشارطه، باید وارد مراقبه شوی و آن چنان است که در تمام مدت شرط، متوجه عمل به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن؛ و اگر خدای نخواستہ در دلت افتاد که امری را مرتکب شوی که خلاف فرموده خداست، بدان که این از شیطان و جنود اوست که می‌خواهند تو را از شرطی که کرده‌ای باز دارند. ... و به همین حال باش تا شب که موقع محاسبه است، و آن عبارت است از اینکه حساب نفس را بکشی در این شرطی که با خدای خود کردی که آیا بجا آوردی، و با ولی نعمت خود در این معامله جزیی خیانت نکردی» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹). «اگر مثلاً حساب ما درست بود و خود ما قیام به محاسبه خود کرده، وحشت از حساب نداشتیم؛ زیرا که آنجا حساب، عادلانه و محاسب، عادل است. پس ترس ما از حساب، از بدحسابی خود ماست» (همان: ۳۵۹).

«و بدان که خدای تبارک و تعالی تکلیف شاق بر تو نکرده و چیزی که از عهده تو خارج است و در خور طاقت تو نیست بر تو تحمیل نفرموده، لکن شیطان و لشکر او کار را بر تو مشکل جلوه می‌دهند. و اگر خدای نخواستہ در وقت محاسبه دیدی سستی و فتوری شده در شرطی که کردی، از خدای تعالی معذرت بخواه و بنا بگذار که فردا مردانه به عمل شرط قیام کنی. و به این حال باشی تا خدای تعالی ابواب توفیق و سعادت را بر روی تو باز کند و تو را به صراط مستقیم برساند» (همان: ۱۰-۹).

جدول ۲: اصول و روش‌های حقیقت‌جویی

| روشها | اصول | هدف |
|-------------------------|------------|------------|
| التزام به آداب شریعت | توجه به حق | حقیقت‌جویی |
| آگاهی‌بخشی و بینش‌دهی | | |
| مشارطه، مراقبه و محاسبه | اخلاص | |
| رفتار در عمل | | |

امام (ره) در وصیت‌نامه خویش، فرزند خود را مخاطب به این خطاب قرار داده‌اند: «سعی کن در این قدم اول موفق شوی که در روزگار جوانی آسان‌تر و موفقیت‌آمیزتر است. مگذار مثل پدرت پیر شوی که یا درجا زنی و یا به عقب برگردی و این محتاج مراقبه و محاسبه است» (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۱۸-۱۷).

۳. هدف: خودشناسی

یکی از هدف‌های تربیت اخلاقی که امام خمینی بر آن تأکید داشتند، شناخت انسان از خود است.

خودشناسی، تمام ابعاد وجودی انسان را در بر دارد (اعرافی و داودی، ۱۳۸۳). هر یک از افراد آدمی امکانات، توانایی‌ها و محدودیت‌هایی دارند. کسانی که از توانمندی‌ها و ناتوانایی‌های خود آگاهند، واقعیت‌های مربوط به خود را بیشتر درک کرده، کمتر گرفتار انحراف می‌شوند. (شعبانی ورکی، ۱۳۷۱)

کودک هنگامی که به خودشناسی رهنمون می‌شود، به ارزش خود آگاه‌تر و کمتر گرفتار لغزش و بیراهه می‌شود و به این جهت، یکی از برنامه‌های مهم در مورد تربیت کودک، آشنا ساختن او به ارزش خودش است و مربیان باید کمک کنند که کودک، خود را آن‌گونه که هست، بشناسد و به همان صورتی که هست، بپذیرد؛ زیرا ممکن است در اثر نواقص جسمانی و غیره، درک نادرستی از خود پیدا کرده و با مشکل مواجه شود. (همان)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۲)؛ هر کس خود را بشناسد، خدا را شناخته است. یکی از شرایط لازم در تربیت اخلاقی کودک این است که خود را دوست بدارد و خود را بپذیرد. چنین کودکی معمولاً هم برای خود احترام قائل است و هم برای دیگران؛ زیرا به ارزش خود آگاه است و خود را می‌شناسد.

یک) اصل تقدّم تزکیه بر تعلیم

امام (ره) تقدّم تزکیه بر تعلیم را به عنوان یک اصل راهبردی بارها یادآور شده‌اند: «کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید، قبل از اینکه تعلیم و تعلّم باشد. کوشش کنید که همدوش با درس خواندن و تعلیم، تربیت باشد، که او مقدّم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب و حکمت» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۳: ۵۰۷)

امام (ره) علم بدون تزکیه و تربیت را منشأ و سرآغاز بسیاری از خطرها و انحرافات دانسته، می‌فرماید: «مهم تربیت است. علم تنها فایده ندارد، اگر در یک قلب تربیت شده علم وارد بشود، عطرش عالم را می‌گیرد و اگر در یک قلب تربیت نشده یا فاسد بریزد... این، فاسد می‌کند عالم را» (همان، ج ۱۴: ۴۰)

- **روش نصیحت و خیرخواهی:** «نصیحت از واجبات است، ترکش شاید از کبائر باشد، از شاه گرفته تا این آقایان، تا آخر مملکت همه را علما باید نصیحت کنند. ارشاد مردم ولو



اینکه خوب باشند، یک امر راجح است. خدای تبارک و تعالی پیغمبر را نصیحت می‌کند. امر به تقوا می‌کند» (همان، ج ۱: ۲۱؛ ج ۱۷: ۲۷۰)

در پاسخ نامه‌ای که بچه‌ها برای ایشان نوشته بودند، با کمال صفا مرقوم داشته‌اند: «چه خوب بود که نصیحتی را که در نظر داشتید می‌نوشتید. ما همه محتاج به نصیحت هستیم و نصیحت شما عزیزان بی‌غرضانه و از روی صفای قلب است. اکنون به عنوان پدر پیری شما عزیزان را نصیحت می‌کنم که در تحصیل علم و فرا گرفتن دانش و اخلاق و کردار نیکو کوشا باشید» (همان، ج ۱۶: ۵۴)

- روش امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام که می‌خواهد همه چیز را اصلاح کند و اصلاح، فرایندی است که طبق آن، عقاید و گرایش‌های فرد را به نحوی سنجیده از طریق آموزش و تبلیغ و گاهی همراه با تهدید و اجبار تغییر می‌دهند یا سرکوب می‌کنند. (مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵: ۳۹۱)

امام (ره) معتقدند: «اسلام برای حفظ و دفاع از ارزش‌ها، مسئله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کند که از فروع دین می‌باشد و بر همه واجب است» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ج ۹: ۱۹۵)

- روش بازگشت به خویشتن: از نظر امام (ره)، برای حفظ ارزش‌ها باید خود را باور کنیم و معتقد باشیم که بدون دیگران نیز می‌توانیم. امام معتقد است که دیگران به ما القا می‌کردند که «ارزش‌های انسانی به هر چه بیشتر فرنگی شدن است و باید از سر تا پا فرنگی شویم» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۹: ۱۱)؛ در حالی که ما باید خودمان را آماده کنیم که «آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم و حتی اخلاق و زبانمان را نیز از آنها یاد بگیریم» (همان، ج ۱۸: ۱۶۱). پس ما باید خود را باور کنیم که اگر متن و کتابی، چند کلمه انگلیسی در آن نباشد، نباید آن را بی‌ارزش بدانیم؛ زیرا همان مطالب را بدون چند کلمه خارجی هم می‌توان فهمید: «... عده‌ای زبان خودشان را کنار گذاشته و ارزش را به چند کلمه انگلیسی در کتابی می‌دانند؛ با اینکه با زبان خودشان همان مطلب را می‌شود فهماند» (همان)

- روش عبرت‌آموزی: یکی از روش‌هایی که می‌تواند به دنبال روش تفکر و آگاهی‌دهی بیاید، روش عبرت‌آموزی است. امام (ره) به خصوص در مورد عبرت گرفتن از حوادث تاریخی اصرار دارند: «ما باید از تاریخ عبرت بگیریم، آن وقت که یک دولت قوی ما داشتیم مثل دولت عثمانی در مقابل شوروی، در مقابل ژاپن می‌ایستاد و گاه غلبه می‌کرد. دشمنان ما وقتی سلطه پیدا کردند، این مملکت پهناور را تکه تکه کردند و هر کدام را به دست یکی از عمال

خودشان دادند و بین آنها مع‌الاسف تفرقه انداختند و این موجب شد که مسلمین و اسلام ضعیف شد و مستعمرین بر ما غلبه کردند. ما باید از این امور عبرت بگیریم و دولت‌های ما از این معانی و از این امر تاریخی عبرت بگیرند و اختلافات خودشان را رفع کنند. اگر اینها با هم مجتمع بشوند، یک قدرتی خواهند داشت که هیچ قدرتی با آنها معارضه نمی‌کند؛ البته به شرط ایمان کامل...» (همان، ج ۶: ۵۰)

دو) اصل اعتدال

هنگامی که در مجموعه گفتارها و اندیشه‌های امام خمینی (ره) دقت می‌کنیم، به وضوح می‌بینیم که حفظ اعتدال و اجتناب از انحراف به چپ و راست، همواره مورد تأکید ایشان بوده است. امام مردم را از تندی‌ها و کندی‌های بی‌رویه، کج‌رفتاری و کژاندیشی منع می‌کردند. ایشان در عین حال که فقیهی فرزانه بودند و در ابعاد عرفان، تفسیر قرآن و سیاست جهانی نیز جلوه‌گری‌های برجسته‌ای داشتند، در همه ابعاد حیات علمی، سیاسی و اجتماعی، از انحراف و خروج از حد اعتدال و وسط هشدار داده‌اند. امام (ره) در تبیین همین معنا و در اشاره به حفظ اعتدال در طرح مسائل اسلامی و قرآنی، می‌فرماید: «بعضی هم اگر اسلام می‌خواهند، یک اسلام وارونه می‌خواهند؛ نه آن اسلامی که اسلام پیغمبر اکرم (ص) است و به وحی الهی آمده است و در وحی هم تصرف می‌کنند و آن را به صورت دیگر در می‌آورند.» (همان، ج ۱۰: ۱۲۳)

روش تسهیل و تیسیر: همانا این دین و آیین، محکم و متین است؛ پس با ملایمت در آن درآیید و عبادات خدا ره به بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید و گرنه مانند سوار در مانده‌ای می‌شوید که نه مسافتی بپیماید و نه مرکبی برایش بماند. امام خمینی (ره) درباره این حقیقت می‌نویسند: «سالک در هر مرتبه که هست، چه در ریاضات و مجاهدات علمیه یا نفسانیه یا عملیه، مراعات حال خود را بکند و با رفق و مدارا با نفس رفتار نماید و زاید بر طاقت و حالت خود تحمیل نکند؛ خصوصاً برای جوان‌ها و تازه‌کارها این مطلب از مهمات است که ممکن است اگر جوان‌ها با رفق و مدارا با نفس رفتار نکنند و حظوظ طبیعت را به اندازه احتیاج آن از طریق محلله ادا نکنند، گرفتار خطر عظیمی شوند که جبران آن را نتوانند کرد؛ و آن خطر این است که گاه نفس به واسطه سختگیری فوق‌العاده و عنان‌گیری بی‌اندازه، عنان گسیخته شود و زمام اختیار را از دست بگیرد و اقتضائات طبیعت که متراکم شد و آتش تیز شهوت که در تحت فشار بی‌اندازه ریاضت واقع شد، ناچار محترق شود و مملکت را



بسوزاند. و اگر خدای نخواستہ سالکی عنان گسیخته شود یا زاهدی بی‌اختیار شود، چنان در پرتگاه افتد که روی نجات را هرگز نبیند و به طریق سعادت و رستگاری هیچ گاه عود نکند... «بالجمله بر سالک راه آخرت مراعات احوال ادبار و اقبال نفس لازم است؛ و چنان که از حظوظ نباید مطلقاً جلوگیری کند که منشأ مفاسد عظیم است، نباید در سلوک از جهت عبادات و ریاضات عملیہ به نفس سختگیری کند و آن را تحت فشار قرار دهد؛ خصوصاً در ایام جوانی و ابتدای سلوک که آن نیز منشأ انزجار و تنفر نفس شود و گاه شود که انسان را از ذکر حق منصرف کند» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۷-۲۵)

جدول ۳: اصول و روش‌های خودشناسی

| روشها | اصول | هدف |
|----------------------------|---------------------|----------|
| نصیحت و خیرخواهی | تقدم تزکیه بر تعلیم | خودشناسی |
| امر به معروف و نهی از منکر | | |
| بازگشت به خویشتن | | |
| عبرت‌آموزی | اعتدال | |
| تسهیل و تسبیر | | |

۴. هدف: رسیدن به کمال

امام (ره) یکی از موانع دستیابی به مراتب معنوی را انکار و ناباوری آن مقامات می‌داند؛ چرا که وقتی انسان منکر امری بود، در راه دستیابی به آن تلاش نمی‌کند. از این رو به نظر ایشان، بدترین آفت اصلاح نفس و خودسازی، بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی به مراتب کمال است. ایشان می‌فرمایند: «بدترین خارهای طریق کمال و وصول به مقامات معنویه که از شاهکارهای بزرگ شیطان قطاع‌الطریق است، انکار مقامات و مدارج غیبیه معنویه است، که این انکار و جحود، سرمایه تمام ضلالت و جهالات است و سبب وقوف و خمود است و روح شوق را که براق وصول به کمالات است، می‌میراند و آتش عشق را که رفرع معراج روحانی کمالی است، خاموش می‌کند؛ پس انسان را از طلب باز می‌دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۰۷).

در انسان‌شناسی امام (ره)، آدمی در بدو تولد چیزی بالفعل ندارد؛ فقط توانایی و استعداد حرکت به سوی کمال در او به ودیعت نهاده شده است. توجه به این نکته برای مربی و روش‌های تربیتی که در پیش می‌گیرد، حائز اهمیت است: «نفس در بدو فطرت، خالی از هر نحو کمال و جمال و نور و بهجت است، چنانچه خالی از مقابلات آنها نیز هست. گویی

صفحه‌ای است خالی از مطلق نقوش، نه دارای کمالات روحانی و نه متصف به اضداد آن است. ولی نور استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در او ودیعه گذاشته شده است و فطرت او بر استقامت و خمیره او مخمر به انوار ذاتیه است». (همان: ۲۷۲)

یک) اصل کرامت

اگر بخواهیم ارزش‌ها را از دیدگاه امام (ره) تحلیل و تبیین کنیم، می‌توانیم در یک جمله بگوییم که: هر آنچه منشأ آن الهی باشد، از نظر حضرت امام دارای ارزش است. پس ایمان، یاد خدا، اخلاص، توکل، استقامت و پایداری، شهادت‌طلبی، امدادهای غیبی، وحدت، پشتیبانی مردمی از انقلاب، امید به یاری خداوند و ... را که از جمله عوامل پیروزی ما در به ثمر رسیدن انقلاب و همچنین پیروزی در جنگ بوده، می‌توان از ارزش‌ها دانست؛ زیرا همگی این عوامل، نشئت گرفته از وحی و خداوندند. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۳: ۲۲۹)

روش انعطاف و نرم‌خویی: انعطاف‌پذیری در انتخاب روش، حاصل یکی از اصول تربیت است که آن را اصالت هدف نامیدیم. اصالت هدف به هیچ روی به معنای توجیه‌کنندگی هدف نسبت به وسیله نیست، بلکه هدف و مختصات آن از عوامل تعیین روش است. این اصل حاکم بر انتخاب روش را می‌توان به صورت یک روش نیز معرفی کرد و گفت هرگاه مربی تحقق اهداف تربیتی خود را اصل قرار دهد و دائماً به بازنگری کارآمدی فعالیت‌های خود بپردازد، در واقع روش انعطاف‌پذیری را برگزیده است. با این مقدمه، انعطاف‌پذیری را اولین روش تربیت مورد توجه امام خمینی معرفی می‌کنیم و گواه بر این مدعا را توجه همیشگی ایشان به ارزیابی شرایط زمان و مکان می‌دانیم. (مجتهدزاده، ۱۳۷۷)

روش احترام به شاگردان: یکی از خصوصیات امام (ره)، احترام ایشان به شاگردانشان بود. مثلاً با شاگردان خود می‌نشستند و جلسه می‌گذاشتند و گاهی ریاست جلسه به عهده یکی از شاگردان ایشان بود. بزرگی روح امام تا این حد بود و مسئله شاگرد و استادی نزد ایشان مطرح نبود. (ستوده، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۱۶)

دو) اصل عزت

یکی از هدف‌های عمده تربیت اخلاقی، ایجاد احساس اعتماد به نفس واقعی است تا کرامت کودک حفظ شود. با راهنمایی مطلوب، کودک به مرور بر حسب تجربه از توانایی‌ها و کمبودها و مسئولیت‌هایش آگاه می‌شود. او به زودی خواهد آموخت که چگونه از آنچه طبیعت به او داده است به نحو شایسته استفاده کند و کم‌کم فرا می‌گیرد که



چگونه مسئولیت‌ها را بدون ناراحتی بر دوش کشد. کودک را باید عادت داد که به خود اعتماد داشته باشد؛ هر اندازه که مهارت کودک در انجام دادن کارهای خود زیادتر شود، وابستگی او به دیگران کم می‌شود. عزت نفس یکی از نیازهای مهم انسان است و عزت نفس سالم برای کودکان، مانند یک سپر عمل می‌کند و او را در برابر مشکلات، ایمن نگاه می‌دارد. کودکان برخوردار از عزت نفس بالا، افرادی‌اند که با اعتماد به نفس و بهره‌گیری از استعداد خود، به ابراز وجود می‌پردازند و به راحتی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند (بیانگر، ۱۳۷۶). همچنین عزت نفس، کودک را در برابر بسیاری از مشکلات و فشارهای پایدار، مقاوم خواهد کرد. (کیم و براین، ۲۰۰۱)

- روش خودباوری: در سخنان زیادی، امام (ره) همهٔ مردم و از جمله جوانان را از خودباختگی در برابر غرب و شرق (روسیهٔ آن روز) برحذر داشته و دائماً تأکید فرموده‌اند که: «می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم و خودمان سر پای خودمان بایستیم و کارهای خودمان را خودمان انجام بدهیم...». آزاد باشیم، آزاد فکر کنیم، آزاد عمل کنیم.

در روزگاری که ملت ما، به ویژه جوانان، از هر نوع ابتکار، اختراع و نوآوری ممنوع بودند و جایی برای تحقق خودباوری و خودانگیزی نداشتند، امام (ره) جوان‌ها را به آزادی و استقلال روحی و فکری توجه می‌دادند. اگر در وزارت آموزش و پرورش واحدی به نام «مرکز پژوهش و نوآوری دانش‌آموزان» وجود دارد، از برکات انگیزی است که امام در جوان‌ها ایجاد کردند.

سه اصل زهد

آنچه بیش از همهٔ عناصر و ویژگی‌ها، اخلاق و عرفان امام (ره) را صبغهٔ قرآنی بخشیده، عنصر خدمت و خیراندیشی و ایثار برای بندگان خداست؛ عنصری که ناب‌ترین و نایاب‌ترین آن در وجود انبیای الهی یافت می‌شد و آنان را از حدّ یک معلم تا اوج یک پدر دلسوز و شیفتهٔ انسان‌ها ارتقا می‌بخشید. این نکته‌ای است که در کمتر کتاب عرفانی و اخلاقی به این شکل دیده می‌شود و امام (ره) به توضیح و ترسیم آن پرداخته و خود عامل به آن بوده است: «چرا یک ذره از آن چیزی که در دل انبیا بود، در دل ما نباشد؟ فلعلک باخ نفسک!؛ شاید می‌خواهی خودت را هلاک کنی! غصه می‌خورد از بس برای این مردم، غصهٔ پیامبر برای این کفار بود. غصه می‌خورد که اینها نمی‌فهمند دارند چه می‌کنند، اینها دارند برای خودشان جهنم می‌سازند».



در دیدگاه امام(ره) فلسفه نبوت و هدف اصلی پیامبران، هدایت انسان است. چنان که قرآن، کتاب انسان‌سازی است؛ دغدغه اصلی پیامبران، سرنوشت آدمی بوده است. دانش ایشان تربیت انسان بوده و همواره نگران بوده‌اند که چرا گمراهان و کافران رو به روشنائی ندارند و به سوی سعادت نمی‌آیند. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۷: ۲۲۷)

- روش دوری جستن از تجملات: امام(ره) معتقد است اگر ملتی بخواهد ارزش‌های خود را حفظ کند، باید از تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی بپرهیزد؛ چرا که برای حفظ ارزش‌ها گاهی ناچاریم به مبارزه برخیزیم و این مبارزه، با رفاه‌طلبی سازگار نیست. بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی، از نظر امام دو مقوله است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند (مرکز تحقیقات و انتشارات حج، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۷۱). ایشان معتقدند که: «ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه، با رفاه‌طلبی سازگار نیست». (همان: ۱۶۲)

- روش ساده‌زیستی: یکی از راه‌های دفاع از ارزش‌ها، مسئله ساده‌زیستی است. حضرت امام این مسئله را مهم‌ترین وسیله برای حفظ ارزش‌ها می‌دانند و معتقدند مهم‌ترین وسیله دفاع از ارزش‌ها، ساده‌زیستی است و مردان بزرگ تاریخ که توانستند از ارزش‌های الهی دفاع کنند، به دلیل ساده‌زیستی آنان بوده است و «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان شما را از میدان به در نکنند، خود را به ساده‌زیستن عادت دهید...؛ چرا که با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی اسلامی را حفظ کرد». (همان)

جدول ۴: اصول و روش‌های رسیدن به کمال

| هدف | اصول | روشها |
|---------------|--------|-------------------------|
| رسیدن به کمال | عزت | ساده‌زیستی |
| | | دوری جستن از تجملات |
| کرامت | احترام | خودباوری |
| | | اتکا به نفس |
| | | انعطاف‌پذیری و نرم‌خویی |
| | | احترام به شاگردان |



د) نتیجه‌گیری

در تربیت، شفاف بودن اهداف بسیار مهم است. با ارزیابی باورها و نگرش‌هایتان درباره‌ انگیزه، روش‌های تفکر و جسارت‌ورزی، به دیدگاه‌های شفاف و واضحی در این خصوص می‌توان دست یافت. لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش‌های فعال تلاش کند تا معلمان از روش‌های مناسب در کلاس خود استفاده کنند، کنجکاوای کودکان را برانگیزند و شرایط مناسب‌تری را برای خلاقیت کودکان ایجاد کنند.

عالی‌ترین هدف تربیت از منظر امام خمینی (ره) قرب الهی است. در این تحقیق، چهار هدف جزئی استخراج شد. برای این اهداف، ۹ اصل تربیتی در بعد اخلاقی، استنباط و برای آنها در جهت رسیدن به اهداف، ۱۹ روش استنباط و استخراج و بررسی و تحلیل شد.

از آنجا که غایت تربیت از نظر اکثر مکاتب و دیدگاه‌های تربیتی، رسیدن به نیکبختی است و در اسلام هم قرب الهی مدّ نظر است؛ در تربیت اخلاقی از نظر اسلام نیز مانند سایر انواع تربیت (تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت حرفه‌ای و...)، غرض رشد و تعالی انسان‌ها به سوی کمال واقعی یعنی قرب الی‌الله است و هدف در تمام انواع تربیت، یکی است. از این بابت که اخلاق در تمام شئون زندگی انسان حاکمیت دارد و مشرف بر تمام انواع تربیت‌هاست، نوعی ملازمت با تربیت‌های دیگر دارد؛ به طوری که وقتی بحث از تربیت اجتماعی می‌شود، نمی‌توان تربیت اخلاقی را از نظر دور داشت؛ چون بر هر اجتماعی نوعی تربیت اخلاقی - چه خوب و چه بد - حکمفرماست و هیچ فعلی از افعال انسان نمی‌تواند از حیطة انسان خارج شود. از طرفی، چون هدف تمام انواع تربیت در اسلام و نظر امام خمینی (ره) یکی است، لذا مایه‌ تعجب نخواهد بود اگر اصول و روش‌های تربیت در همه آنها یکسان باشد.

منابع

- قرآن کریم.

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲). **آداب الصلاة**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳). **جهاد اکبر یا مبارزه با نفس**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۴). **چهل حدیث**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷). **شرح حدیث جنود عقل و جهل**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶). **صحیفه نور**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵). **نقطه عطف**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). **وعدۀ دیدار**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶). **روش‌های افزایش عزت نفس در کودک**. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- زیباکلام مفرد، فاطمه (۱۳۸۴). **مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام**. تفرش: دانشگاه تفرش.
- ستوده، امیرضا (۱۳۸۱). **پابه پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی (ره)**. تهران: پنجره.
- شاتو، ژان (۱۳۶۹). **مربیان بزرگ**. ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران: دانشگاه تهران.
- شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۷۱). **بررسی روش‌های بهداشت روانی کودک**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شعرباف، رضا (۱۳۶۶). **سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ره) به روایت جمعی از فضلاء**. تهران: پیام آزادی.
- شممعخانی، اژدر و همکاران (۱۳۹۳). **«اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ره)»**. بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۲۹: ۱۳۶-۱۱۳.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۶). **مجمع البیان**. قم: ناصر خسرو.
- مجتهدزاده، اصغر (۱۳۷۷). **بررسی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- محمودنیا، علیرضا (۱۳۶۵). **«تعلیم و تربیت از دیدگاه امام هادی (ع)»**. مجله تربیت. ش ۸.
- مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (۱۳۷۵). **فرهنگ علوم سیاسی**. تهران: ناشر مؤلف.
- مرکز تحقیقات و انتشارات حج (۱۳۶۷). **کنگره عبادی سیاسی حج: مجموعه سخنان و پیامهای امام خمینی**. ج دوم. تهران: ناشر مؤلف.
- Kim, R.; D. Steve & M. Brain (2001). **Developing Your Child's Self-Esteem**. Kids Health. Self-Esteem, Html.